

ایران زندگی

افزایش تولیدات کشاورزی با کمک فناوری

مشاهده میدانی رعایت موازین چند ثانوی در نقاط مختلف تهران

پروتکل خاص شاطرها و چانه گیرها

۱۶ صفحه

۱۵ صفحه

نیازسنجی برای روزهای بعد از کرونا طراحی و تولید اسباب بازی برای سبک زندگی جدید



محسن حموله
فعال حوزه سرگرمی و اسباب بازی

کرونا و رعایت‌های بهداشتی مربوط به آن، حالا بخشی از زندگی مردم سراسر جهان شده و اثرات آن موجب پدید آمدن نوعی از سبک زندگی در میان خانواده‌ها و نیز کودکان شده است. بخشی از فعالیت‌های روزمره به شکل آنلاین درآمد، روابط و مناسبات کودکان با همسالان خویش دستخوش تغییراتی شده که حتی با فرض پایان شیوع کرونا، بعید است به تمامی به گذشته برگردد.

سرگرمی و بازی که مهم‌ترین و اثرگذارترین بخش زندگی کودکان و شاید اغلب مردم بوده، اینک و در روزگار کرونایی، تأثیراتش دوچندان شده است. اسباب‌بازی‌ها دیگر صرفاً تأثیر سرگرم‌کننده یا آموزشی ندارند، بلکه به‌عنوان یکی از ابزار مهم در تأمین و ترمیم سلامت روان کودکان به‌دور از تجمعات و دیدارهای دوستانه بدل شده است. در واقع با نگاهی تحلیلی، می‌توان گفت که بخشی از سبک زندگی جدید که با تأثیر از کرونا پدید آمده، برای همیشه به همین شکل باقی خواهد ماند، از توسعه مناسبات مجازی تا تأمین بخشی از نیازهای سرگرمی و آموزشی در فضاهای مجازی.

در حوزه سرگرمی و اسباب‌بازی، دست‌اندرکاران در این چند سال با توجه به اهمیت سلامت جسمی و روانی کودکان و عموم مردم، تلاش‌هایی کرده‌اند اما اینک وقت آن رسیده است که با نگاهی بلندمدت، تغییراتی در نگاه به سرگرمی و تولید اسباب‌بازی ایجاد کرده و شرایط جدیدی را مدنظر قرار دهند. تغییراتی منبانی در ایده‌پردازی، طراحی و تولید اسباب‌بازی و سرگرمی با توجه به شرایط جدید و سبک زندگی تازه. گام اول در این راه، تحلیل تأثیرات اسباب‌بازی در دوران همه‌گیری کرونا، نحوه و میزان استفاده از اسباب‌بازی‌های خاص یک گروه و بازتعریف نیازهای روانی و جسمی کودکان و عموم مردم علاقه‌مند به اسباب‌بازی است. تغییر عادت و تغییر نیاز کودکان از اسباب‌بازی‌های جمعی و محیطی به ملزومات خانگی و بازی‌های خانوادگی، یکی از نکاتی است که باید مورد توجه دست‌اندرکاران این حوزه قرار گیرد. در شرایط جدید، نیاز داریم که اسباب‌بازی‌هایی طراحی کنیم که پاسخگوی نیاز روانی و جسمی کودکان باشد که بیشتر وقت‌شان را در خانه می‌گذرانند و نمی‌توانند مثل گذشته از محیط‌های عمومی مثل پارک‌ها و مکان‌های بازی استفاده کنند.

اسباب‌بازی‌های جدید باید به نوعی طراحی شوند که کاستی دوری از دستان و ارتباط با همسالان را تا حد ممکن پوشش دهند، کم‌تحرکی ناشی از خانه‌نشینی را برطرف کنند و رخت و فرودگرایی را خصوصاً در میان کودکان کمتر کنند و این بسیار مسأله مهمی است. به‌عنوان یک علاقه‌مند این حوزه، به همکارانم توصیه می‌کنم که با نشست‌ها و گفت‌وگوهای علمی در پی نیازسنجی و بازتعریف نقش اسباب‌بازی و سرگرمی در دوران جدید باشند، چراکه دیگر طراحی و تولید اسباب‌بازی با نگاه و هدف یک‌دهه قبل، از منظر تغییر سبک زندگی، پاسخگوی تمام نیازهای مخاطبان ما نیست و باید نیازهای امروز را در نظر گرفت.

همان‌طور که بعید می‌دانیم مرادوات بانکی و اقتصادی، حتی پس از کرونا به شکل قبل بازگردد، باید بپذیریم که بازی و سرگرمی نیز در دوران کرونا، از اساس تغییراتی کرده و برای این شرایط جدید، اسباب‌بازی‌های جدید نیز ضروری است. اسباب‌بازی‌هایی که بر اساس نیازهای روز طراحی شده باشد تا بتوانند کودکانی را که در همه‌گیری کرونا خانه نشین شده‌اند، به فضای بازی برگردانند.

یادداشت



بچه‌های روستا برای قصه خوانی خانم معلم لحظه شماری می‌کنند

سفر به دور دست‌های درون



ایران



اما وقتی قرار شد برای بچه‌ها قصه بگویم تلاش کردم باور کنند هر کجا باشند می‌توانند رؤیاهایشان را زندگی کنند. با دوچرخه به بندرعباس و با لنج به قشم رفتم. روستا به روستا را با دوچرخه رفتم و برای بچه‌ها کتاب خواندم. اینکه خانم معلم با دوچرخه سفر می‌کند برای بچه‌ها و ساکنان روستا جالب بود. با این کار می‌خواستیم به بچه‌ها اهمیت مراقبت از محیط زیست را یاد بدهم و نشان بدهم هر کدام از ما می‌توانیم در سالم ماندن محیط زیست و حفظ آن برای نسل‌های آینده نقش داشته باشیم. بچه‌ها می‌پرسیدند خانم معلم نمی‌ترسی تنها سفر می‌کنی یا اینکه چطور مسیر را پیدا می‌کنی؟ در کنار معلمی خوشنویسی هم کار می‌کنم و در کلاس درس به بچه‌ها زبان‌بوسی یاد می‌دهم. در این سفر سعی کردم تا بچه‌ها خط تحریری را یاد بگیرند. علاقه آنها انگیزه‌ام را در ادامه راه بیشتر می‌کرد. فهمیدم بچه‌های روستا خیلی دوست دارند خط شان زیبا باشد. بعد از کلاس خط سراغ قصه خوانی می‌رفتم. متأسفانه بچه‌های روستاهای محروم قشم، هرمز و هنگام به کتاب دسترسی زیادی ندارند و می‌گفتند خیلی کم کتاب می‌خوانند. البته در برخی از روستاها کتابخانه هم بود اما بچه‌ها بیشتر برای بازی آنجا می‌رفتند.

نزدیکتر می‌شوند. آن قدر نزدیک که دل شان می‌خواهد تو توقف کنی و ساعت‌ها با آنها حرف بزنی، میهمان خانه‌هایشان شوی، سر سفره‌شان بنشین، نان و نمک‌شان را بخوری و برایشان بشوی یک دوست. هر بار مسیر جدیدی را برای سفر انتخاب می‌کنم تا حرفی برای این گفت‌وگوها داشته باشم. چندسال قبل ۱۰۰۰ کیلومتر رکاب زدم تا به مردم کوچه و بازار بگویم «آب گنجینه امروز است و رؤیای فردا». این سفر تجربه بی‌ نظیری برای من به همراه داشت. سفر به روستاهای سیستان و بلوچستان و کتابخوانی برای بچه‌ها اولین تجربه سفر برای کتابخوانی بود. به هر روستایی که می‌رفتم آدم دیگری می‌شدم و باید بگویم بچه‌ها تأثیر زیادی در رشد و تعالی روحی من داشتند. عشق و علاقه آنها به کتاب و شوق آنها برای خواندن انگیزه‌ام را برای ادامه راه دوچندان کرد.

روستاهای قشم مقصد بعدی سفر خانم معلم بود تا برای بچه‌ها کتاب بخواند. معلم که باشی بخوبی می‌دانی کتاب چقدر می‌تواند روی بچه‌ها تأثیر بگذارد. نسرین خسری مقدم درباره کتابخوانی‌اش در کانون اصلاح و تربیت می‌گوید: «با فراخوان یکی از دوستان برای زندان‌ها کتاب جمع‌آوری می‌کردیم که تصمیم گرفتم برای کتابخانه زندان کرمان هم کتاب جمع کنم. با فراخوانی که در صفحه مجازی دادم مردم کرمان بیش از ۱۰۰۰ جلد کتاب اهدا کردند که نزدیک به ۷۵۰ جلد آن مناسب بود و به کتابخانه زندان دادم. مسئولان زندان از این حرکت استقبال کردند. آن روزها به این فکر افتادم که کتابخوانی را از مرکز کانون اصلاح و تربیت که محل نگهداری کودکان و نوجوانان برگزار است شروع کنم. مسئولان کانون خیلی استقبال کردند.

کتاب‌ها مناسب نیست و بچه‌ها سرگرمی دیگری هم ندارند. با خانم اخوت در شورای کتاب کودک هماهنگ کردم و آنها با یک تیم آمدند و با ۱۰۰۰ جلد کتاب مناسب کتابخانه کانون اصلاح و تربیت را تجهیز کردند. روز افتتاح کتابخانه جشن گرفتیم و هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده کتاب کودکان و نوجوانان هم آمد و برای بچه‌ها صحبت کرد. از مشکلات و سختی‌هایی که در کودکی داشت ولی با خواندن کتاب و تلاش موفق شد نویسنده شود گفت و بچه‌های کانون اصلاح و تربیت از حرف‌های ایشان خیلی به وجد آمدند و انگیزه زیادی برای خواندن کتاب پیدا کردند. بعد از آن سفر به روستاهای قشم را با شعار «کودک، کتاب، آگاهی» آغاز

و باعث شد با کمک شورای کتاب کودک، کتابخانه کانون اصلاح و تربیت با ۱۰۰۰ جلد کتاب مناسب تجهیز شود. نسرین خسری مقدم از روزهایی می‌گوید که تصمیم گرفت مسیر زندگی‌اش را عوض کند و برای بچه‌ها کتاب بخواند: «عاشق کشور سفر می‌کنم. ۱۸ سال در مدارس مشهد تدریس می‌کردم و بعد از انتقال به کرمان دو سال هم آنجا درس دادم تا اینکه سال گذشته کرونا همسرم را از من گرفت. مرگ او غم بزرگی بود و شرایط خوبی نداشتیم. آن روزها جمله‌ای از توران میرهادی مادر ادبیات کودک و نوجوان تأثیر زیادی روی من گذاشت. او می‌گفت اگر به سوگ بزرگی دچار شدیم تلاش کنیم این سوگ بزرگ را به یک حرکت بزرگ تبدیل کنیم.

تصمیم گرفتم بازنشسته شوم و مسئولانه سفر کنم تا لذت سفر را تجربه کنم و این شادی و لذت را به دیگران بدهم. عاشق دوچرخه سواری هستم. چهل سالگی تصمیم گرفتم دوچرخه سواری را یاد بگیرم و با دوچرخه‌ام سفر کنم و هرگز فکر نکردم دیر است. سفر با دوچرخه برای من فقط رفتن از مکانی به مکان دیگر نیست. از آن طرف در سفر آدم‌ها بیشتر از هر زمانی به تو

کرونا همسرم را از من گرفت.

مرگ او غم بزرگی بود و شرایط خوبی نداشتم. آن روزها

جمله‌ای از توران میرهادی

مادر ادبیات کودک و نوجوان

تأثیر زیادی روی من گذاشت.

او می‌گفت اگر به سوگ بزرگی

دچار شدیم، تلاش کنیم این

سوگ بزرگ را به یک حرکت

بزرگ تبدیل کنیم. تصمیم گرفتم

باز بنشسته شوم و مسئولانه سفر

کنم تا لذت سفر را تجربه کنم و



یوسف حیدری خبرنگار

